

یادداشتی از علی اکبر صالحی و مهدی زارع

آموزه‌هایی از زلزله ترکیه

صحنه‌های دهشتناک خرابی‌های زمین‌لرزه و تلفات ده‌ها هزارنفره در زمین‌لرزه‌های ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ در جنوب ترکیه و شمال سوریه، یادآور این نکته است که همچنان زلزله‌کننده‌ترین نوع سانحه طبیعی در جهان است. بیشترین این تلفات متأسفانه در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد.

صفحه ۱۲

شنبه ۶ اسفند ۱۴۰۱ • ۴ شعبان ۱۴۴۴ • ۲۵ فوریه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۰۴ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: هشدار سیدحسن خمینی: اگر «گفت‌وگو» نکنیم، کار به «دعوا» می‌کشد، درخواست انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران برای آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی و **یادداشت‌هایی** از کورش الماسی، سامان صفرزائی

سرمقاله

جمعیت بکائون



احمد غلامی

برخی معتقدند پس از فروکش کردن اعتراضات اجتماعی، بار دیگر در سال آینده با افزایش قیمت‌ها با اعتراضاتی از نوع اقتصادی روبه‌رو خواهیم بود. درواقع می‌توان گفت اگر در سال جاری امر اجتماعی موجب تلاطم‌های سیاسی شده بود، این بار امر اقتصادی است که سیاست را آشوبناک خواهد کرد. اینکه این تحلیل چقدر قرین به واقعیت است و تحقق آن اجتناب‌ناپذیر، باید به انتظار زمان نشست؛ اما نمی‌توان انکار کرد این تحلیل از کلیشه‌ای پیروی می‌کند که مبتنی بر تجربه‌های تاریخی از این دست است. بر اساس همین کلیشه است که حتی دولت و نهادهای رسمی از این موضوع ابراز نگرانی کرده‌اند. تکرار این حرف و ابراز نگرانی‌ها از سوی چهره‌های سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب و کارگزاران دولتی و نهادهای رسمی، بیش از آنکه برای تصمیم‌سازی در دولت باشد که هست، ناخواسته کاربرد دیگری نیز پیدا کرده و آن تهی کردن توان یک رخداد است؛ چراکه عنصر اصلی یک رخداد، وجه غافلگیری آن است و منبع این غافلگیری ناخودآگاه جمعی است. پس اگر بگوییم جنبش‌های اجتماعی را ناخودآگاه سیاسی مردم به وجود می‌آورند، چندان بیراه نگفته‌ایم و برملاکردن این ناخودآگاه سیاسی از توان توده‌ها می‌کاهد، بدون اینکه تصمیمی جدی در مرتفع کردن مشکلات مردم صورت گرفته باشد. درواقع این جریان‌های سیاسی همچون «جمعیت بکائون» هستند. محمدرضا شفیعی‌کدکنی در کتاب «حالات و مقامات م. امید» به نقل خاطره‌ای از اخوان ثالث می‌پردازد که در اینجا به کار ما می‌آید: «وقتی از فعالیت سیاسی ناامید شده بود، فکر عجیب‌وغریبی را دنبال می‌کرد. می‌گفت می‌خواهم یک جمعیتی تشکیل بدهم که برنامه‌اش فقط گریه باشد. یعنی دسته‌جمعی راه بیفتیم برویم به کوچه‌ها و بازارها و حتی شهرها و روستاها و در آنجا فقط گریه کنیم. هرکس هم بی‌رسد هیچ پاسخی جز گریه ندهیم. فقط گریه. جمعیت بکائون». در همین کتاب و در مقاله «اراده معطوف به آزادی» است که کدکنی از معدود انتقادات خود به اخوان ثالث می‌گوید. او باور دارد تا زمانی که اخوان بر تضادهای درونی‌اش آگاهی نداشت، جوشش و انقلابی در شعرش به چشم می‌خورد که در شعرهایی که آگاهانه به این تضاد می‌پرداخت وجود نداشت. این تضادها و تناقضات است که هنر را می‌سازد: «در این لحظه، هیچ تردیدی ندارم که هر هنرمند بزرگی در مرکز وجودی خود، یک تناقض ناگزیر دارد؛ تناقضی که اگر روزی به ارتفاع یکی از نقیضین منجر شود، کار هنرمند نیز تمام است و دیگر از هنر چیزی جز مهارت‌های آن برایش باقی نخواهد ماند. کشف مرکز این تناقض‌ها در هنرمندان، گاه بسیار دشوار است... خاستگاه این تناقض، همان اراده معطوف به آزادی است که در کمون ذات انسان به ودیعت نهاده شده است. خلاقیت هنری، چیزی جز ظهور گاه‌گاه این تناقض نیست». از همین‌جاست که رابطه سیاست و هنر عیان می‌شود. سیاست نیز از دل تعارضات و تناقضات سر برآورده و خلق می‌شود. اگر خودآگاهی ستم شاعری است و موجب مرگ شعر می‌شود، این «جمعیت بکائون» با تکرار بدون تفاوت سخنان خود، سیاست را کلیشه می‌کند و مرکز آن را رقم می‌زنند. در سیاست، عمل و نظر با هم به کار می‌آید؛ گفتار بی‌عمل جز فرسایش توان توده‌ها سود دیگری ندارد. یکی از کارهای کارگزاران سیاست همین است که تضادها و تناقضات را مدیریت کنند. اما کار مهم‌تر آنان «برسمیت‌شناسی» است؛ یعنی افراد با رسمیت‌شناختن نهادها به رسمیت شناخته خواهند شد؛ نهادهایی مانند دولت و بازار. چراکه این کارگزاران سیاسی باور دارند افراد هر زمانی که بخواهند می‌توانند این نهادها را تغییر بدهند. این برداشت از نهادها و روابط افراد با یکدیگر و نهادها از طریق آموزه‌های هابرماس و اصلاح‌طلبان در ایران رایج شده است. درصورتی‌که افراد بیش از آنکه قادر به تغییر این نهادها باشند، در سلطه آنان هستند. این طرز تفکر برداشتی متقارن و افقی از سیاست دارد که مانع خلق سیاست خواهد شد. به تعبیر هگل، بنیادی‌ترین شکل رابطه بین افراد و افراد و نهادها، رابطه متقارن نیست، بلکه رابطه تضاد است که ذاتا نامتقارن است. در طول سال‌ها دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا درصدد بوده‌اند رابطه‌ای افقی از جامعه و نهادها ارائه بدهند؛ رابطه‌ای که چندان منطبق با ذات قدرت نیست. این برداشت هابرماسی بیشتر از جانب اصلاح‌طلبان رایج شده است که در دوره طولانی مدت دولت‌داری خود سعی در اختفای تضادهای داشته‌اند که موجب خلق سیاست می‌شده است و فقط تضادهایی را به رسمیت می‌شناختند که موجب می‌شد آنان در سیاست دست بالا را پیدا کنند. اینک چون تضادها علنی شده است، جریان‌های سیاسی تأثیرگذاری خود را از دست داده‌اند و وظیفه آنان بیش از آنکه چگونگی ترسیم آینده پیش‌روی مردم باشد، انتقاد از دولت و نهادهای رسمی و هشدار به آنهاست. هشدارهایی که اعتنای چندانی هم به آنها نمی‌شود.



ولادت حضرت ابوالفضل العباس (ع) را تبریک می‌گوییم

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: **بنیه قوی مردمی نظام حجت را بر همه مسئولان و علما تمام کرده است**

بایگه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، این مجلس رفیع و بسیار مهم را نماد درهم‌آمیختگی «جمهوریت» و «اسلامیت» خواندند و با اشاره به حضور بی‌بدیل، حیاتی و مستمر مردم در صحنه‌های گوناگون گفتند: بنیه قوی مردمی نظام، ثروتی ملی است که خداوند با آن...

صفحه ۲

گذری بریک سالگی جنگ اوکراین و دور خیز پکن برای ورود به مناقشه به سود روسیه

اوکراین؛ جهنم زمینی

گزارش تیتربک را در صفحه ۵ بخوانید



چیزی نظیر آتش در جانم پیچید

پرونده «شرق» از وضعیت زنان افغانستان؛

۱۸ ماه بعد از به دست گرفتن قدرت توسط طالبان در این کشور



۱۸ ماه از سقوط کابل گذشته است. از جولان طالبان در ولایات افغانستان. بعد از ۲۰ سال دوباره پشت «سُیما» تیر کشید. «چیزی نظیر آتش» در جانش پیچید. دوباره هفت‌ساله شد و وقتی داشت از پشت ویتزین مغازه خودکارها و مدامهای رنگی را نگاه می‌کرد، کم‌رش داغ شد، رویش سرخ.

«سُیما» فراموش کرده بود یا می‌خواست فکر کند که فراموش کرده است؛ اما نشد، جای شلاق طالب بعد از ۲۰ سال دوباره سوخت. دوباره جانش لرزید، مگر پدرش نگفته بود «خیر است بچه،

یادداشت

به مردم هم مصونیت بدهید



مهرداد احمدی‌سخانی

نمی‌دانم چند سال پیش را یادتان هست که جام جهانی فوتبال در برزیل برگزار می‌شد؟ برزیل همیشه از مدعیان قهرمانی است و آن سال که جام جهانی در کشورش برگزار می‌شد، دیگر همه مطمئن بودند که جام را خواهد برد؛ چراکه علاوه بر بازی در زمین خودی و حمایت طرفداران، قطعا حمایت‌های دیگری را هم برای موفقیت، پشت سر خود داشت. بازی نیمه‌نهایی بود و همه چیز برای صعود برزیل به فینال، آماده. ولی چه شد؟ برزیل با شکست تحقیرآمیز هفت بر یک برابر آلمان، از جام جهانی‌ای که خود میزبانش بود

حذف شد. این فقط یک شکست نبود، یک افتضاح تاریخی برای تیمی بود که همیشه از بالا به دیگران نگاه می‌کرد. حال فکر کنید یک نفر بیاید و این شکست تاریخی برزیل را پیروزی قلمداد کند. به چنین فردی چه می‌توان گفت؟ اصلا چیزی می‌توان به او گفت؟ خوشبختانه پیروزی و شکست در فوتبال، موضوعی کاملا مشخص است. تعداد گل‌هایی که هر تیم می‌زند یا می‌خورد هم معلوم و مشخص است و متر و معیاری مورد توافق برای همگان وجود دارد که نمی‌توان آن را منکر شد. برای همین اگر کسی بیاید و بگوید شکست هفت بر یک برزیل برابر آلمان یک پیروزی برای تیم ملی برزیل بوده و اصرار هم بکند که پیروزی بوده، گمان نمی‌کنم که هیچ استدلال و دلیل منطقی‌ای بتواند چنین کسی را مجاب کند که سخنش اشتباه است. حال فرض کنید در امر کشورداری با دولتی سروکار داشته باشیم که مقدرات مردم را در اختیار دارد. کار این دولت را چگونه می‌توان داوری کرد؟ مثلا یک دولتی باشد که

همه قوای کشور از او حمایت کنند و هیچ‌کس در داخل کشور بر سر راهش یک مشت خاک هم کپه نکرده باشد که خدای ناکرده مانعی ایجاد شود و آن دولت مدعی باشد و بیاید بگوید که من تورم را کاهش می‌دهم و تک‌رقمی می‌کنم، سالی یک میلیون مسکن می‌سازم یا بگوید سالی یک میلیون شغل جدید دایر می‌کنم یا مثلا نرخ ارز را کنترل می‌کنم، ولی بعد از حدود دو سال از استقرا، تورمش از ۵۰ درصد بگذرد، قیمت ارز بر اسبی چموش سوار شود و مثلا دلار از هر ۵۰ هزار تومان بگذرد، خبری از آن یک میلیون مسکن نباشد، قیمت گوشتش طوری بشود که اگر یک روزنامه از افزایش قیمت گوشت بگوید، با توقیف مواجه شود و تازه از همه اینها گذشته، برای اداره کشور یک هیئت هفت‌نفره را مصونیت قضائی بدهد و بگوید به مدت دو سال قانون برای اینها معلق شود تا بلکه کاری بکنند کارستان.

ادامه در صفحه ۵



«شرق» آخرین تحولات پرونده هسته‌ای را بررسی می‌کند؛ روشنگری‌های تهران جواب می‌دهد؟

برجام گروگان سیاسی غرب

۳

گفت‌وگو با کمال حسین‌پور، نماینده مجلس:

اصولگرا هستیم اما تیم اقتصادی دولت را قبول ندارم

۲

گزارشی از وضعیت اقتصادی سالن‌های نمایش

چهره‌ها به صحنه برمی‌گردند؟

۱۱

در حادثه سقوط بالگرد در بافت رقم خورد

آسیب وزیر ورزش و درگذشت مدیرکل حوزه ریاست

۹

تحریم تلویزیون و پخش زنده فوتبال

۹

یادداشت

کاپیتولاسیون اینترنتی



علی مجتهدزاده

وکیل پایه یک دادگستری

کاپیتولاسیون را در تعریف حقوقی نوعی از امتیازات خاص برای شهروندان کشورهای خارجی توصیف کرده‌اند که طبق آن برای شهروندان کشورهای طرف قرارداد مصونیت قضائی ایجاد می‌شود. به این معنا که آنها در کشور مقصد از تعقیب و مجازات تخلف یا جرم خود مصون هستند. این قراردادهای گاهی از این هم فراتر رفته، حقوق و امتیازات دیگری از قبیل معافیت‌های گمرکی و مالیاتی یا حق مالکیت و فعالیت‌های تجاری برای اتباع بیگانه قائل می‌شود که در تاریخ نمونه‌های زیادی داشته. تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی ایران نه‌فقط با این مفهوم حقوقی آشنا، بلکه با آن عجین است. ما از جریان قرارداد ترکمنچای تا تحولات ابتدای دهه ۱۳۴۰ خورشیدی نه‌فقط همواره با مسئله کاپیتولاسیون در ایران مواجه بودیم؛ بلکه این مسئله عامل اصلی بخش مهمی از مهم‌ترین اعتراضات و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران بوده که مهم‌ترین نمونه‌اش انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است. جامعه ایران از دهه ۱۳۰۶ یعنی ۱۹۵ سال قبل که اولین نمونه‌های مدرن کاپیتولاسیون از نظر حقوقی در عهدنامه ترکمنچای برای اتباع روسیه مندرج شد تا دوران مبارزات انقلاب اسلامی و پس از آن نسبت به این مسئله حساسیت بسیار بالا و البته درستی داشتند. همه اینها گفته شد تا برسیم به خبری که به‌تازگی وزیر ارتباطات به این شکل اعلام کرده است: شنیده شده است که تورست‌ها و گردشگران خارجی در کشور به دلیل فیلترینگ دو پلتفرم واتس‌آپ و اینستاگرام کمی دچار مشکل شده‌اند.

ادامه در صفحه ۵

انالله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای دکتر علی مطهری

ضایعه درگذشت والد‌گرا امیتان

همسر شهید مطهری

را تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای

آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر

آرزو مندیم.

مصطفی ایزدی، احمد غلامی، علی دهقان

علی اعطا و مهدی رحمانیان

برادر ارجمند جناب آقای دکتر علی مطهری

درگذشت بانوی مؤمن و پرهیزکار سرکار خانم

مطهری را خدمت جنابعالی، اخوی و خانواده محترم

مطهری تسلیت می‌گوییم. مطمئن هستیم او که

عمری را با پرهیزگاری سپری کرد نزد خدای تعالی

متنعم است. برای او از درگاه حضرت احدیت

غفران و تعالی مرتبت و برای جنابعالی و سایر

بازماندگان شکیبایی و سزای نیک آرزو مندیم.

اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا

عباس آخوندی

سرکار خانم فریده مطهری

برادر ارجمند جناب آقای دکتر علی لاریجانی

درگذشت بانوی مؤمن و پرهیزکار سرکار خانم مطهری را خدمت جنابعالی

همسر محترم و خانواده مطهری تسلیت می‌گوییم. مطمئن هستیم او که عمری

را با پرهیزگاری سپری کرد، نزد خدای تعالی متنعم است.

برای او از درگاه حضرت احدیت غفران و تعالی مرتبت و برای جنابعالی و

سایر بازماندگان شکیبایی و سزای نیک آرزو مندیم.

گواهی می‌دهیم شما و سرکار خانم در حق او وظیفه فرزندخی را به

جا آوردید و این نزد خدای تعالی محفوظ است و در روز پسین از آن بهره‌مند

خواهید بود. اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا

نقیسه رسولی، عباس آخوندی